# [تطبیق در اوامر وجوبی و استحبابی]

آمر را ادعا میکنیم طالب تکوینی:

## [اقسام طالب تکوینی]

> و همان طور که طالب تکوینی دو قسم است:
> ۱. طالب بالفعل راه افتادهی به نتیجه و مطلوب تکوینی رسیده (وجوب بالغیر) (مانند کسی که آب را خود برداشته است و خورده است)
> ۲. طالب قلبی مشتاق که لامحاله بین طبع او و مطلوب تکوینی ملائمه و مناسبت است (حسن و قبح)

### [حسن؛ جمال]

> [ممکن است گفته شود حسن از زیبایی و جمال اخذ نشده است بلکه حسن به معنای خوب و مناسب است اگر به جمال نسبت داده شود معنای زیبایی به خود میگیرد و اگر به کار ملائم و مناسب با طبع (تکوینا ً نه مصلحتا ً) نسبت داده شود معنای نیکویی به خود میگیرد پس مطلوب قلبی تکوینی متصف به نیکویی است نه زیبایی و این دو در عرض یکدیگرند و متخذ یکی از دیگری نیستند والا چون هردو تکوینی هستند ترجیح بلامرجح است]

## [طلب تشریعی]

> همچنین طالب تشریعی و آمر

## [تحلیل وجوب]

> یعنی یکدفعه ادعا میکنیم آمر را که کأنه خود کار را انجام داده است و از چنین امری وجوب تکلیفی انتزاع میشود و روشن است که متخذ از وجوب بالغیر است

## [اتخاذ از وجوب بالقیاس]

> و اما اگر گفته شود که وجوب در کارها متخذ از وجوب بالقیاس است آن وجوب شرطی عقلی است نه تکلیفی و لذا در آن ادعایی هم وجود ندارد

## [تحلیل استحباب]

> و تارهً ادعا میکنم آمر را طالب تکوینی که مطلوب تکوینی خود را در قلبش میخواهد و از امر و مناسبت و ملائمت بین طالب (آمر) و مطلوب (تشریعی) استحباب و حسن تکلیفی انتزاع میشود پس استحباب متخذ از معقول ثانیِ«مناسبت» است

---

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مارس 2025 16:23:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مارس 2025 16:24:54 توسط ... .